



دانشگاه شهید حرمان اهواز

دانشکده الهیات و معارف اسلامی

گروه فقه و مبانی حقوق اسلامی

پایان نامه جهت اخذ مدرک کارشناسی ارشد

عنوان:

## مقایسه آثار فقهی و حقوقی طلاق و فسخ نکاح

دانشجو:

مهدی مجیدی

استاد راهنما:

جناب آقای دکتر سیدحسین آل طاهها

استاد مشاور:

جناب آقای دکتر خسرو نشان

تیرماه ۱۳۸۸

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

تقدیم بہ

آستان مقدس حضرت دوست

# تقدیر و شکر

شکر و سپاس ویژه آستانی است که تجلی پرتو حسنش، هستی بخش جهان آفرینش و سلسله جنبان آن است.

هزاران سلام و درود بر کامل ترین وجود؛ آنکه عقل را تراز آفرینش نمود و جان آدمی را فکرت آموخت تا بتواند سره را از ناسره تشخیص داده و راه درست را برگزیند. آنچه در این اثر پیش روی شماست پژوهشی است پیرامون آثار فقهی و حقوقی طلاق و فسخ نکاح که امید آن می رود هر چند اندک گره گشای مشکلات و روشنی بخش و آگاهی دهنده راهها باشد.

در این جا لازم می دانم از زحمات جناب آقای دکتر سید حسین آل طاهها، استاد راهنمای محترم، و جناب آقای دکتر خسرو نشان، استاد مشاور گرامی، و سایر استادان و تمام کسانی که در تهیه و نگارش این اثر تلاش کرده و این جانب را یاری نموده اند صمیمانه سپاسگزاری نمایم.

## فهرست مطالب

صفحه	عنوان
۱	چکیده
۲	پیش‌گفتار
۴	فصل اول : کلیات
۵	۱- طرح مسأله
۷	۲- معنای لفظ طلاق و تعریف آن
۸	۳- ضرورت طلاق
۹	۴- زیان‌های طلاق
۹	۵- افزایش طلاق در زندگی جدید
۱۲	۶- طلاق‌های ناجوانمردانه
۱۵	۷- اسلام و مسأله طلاق
۱۸	۸- طلاق از نظر آثار اجتماعی
۲۱	فصل دوم : موجبات طلاق
۲۲	الف) طلاق به اراده مرد
۲۵	ب) طلاق به درخواست زن
۲۷	۱- استنکاف یا عجز شوهر از دادن نفقه
۲۸	۱-۱ استنکاف شوهر از دادن نفقه
۲۹	۱-۲ عجز شوهر از ادای نفقه
۳۳	۲- عسر و حرج
۳۳	۱-۲ حرج در لغت
۳۴	۲-۲ عسر در لغت
۳۴	۲-۳ رابطه دو لفظ عسر و حرج
۳۵	۲-۴ معنای عسر و حرج در قرآن کریم
۳۶	۲-۵ عسر و حرج از نظر عقل
۳۷	۲-۶ بررسی مصادیق عسر و حرج در طلاق به درخواست زوجه

۳۷	پیشینه تاریخی ماده ۱۱۳۰ قانون مدنی و پیشنهادات اصلاحی
۳۹	غیبت شوهر بیش از چهار سال
۴۰	۳-۱ مقدمات لازم جهت انشای حکم طلاق توسط حاکم
۴۱	۳-۲ حکم طلاق توسط حاکم
۴۲	۳-۳ جستجو در طی چهار سال از غایب مفقودالثر
۴۲	۳-۴ طریقه جستجو از غایب مفقودالثر
۴۴	۴- وکالت در طلاق
۴۵	۴-۱ وکالت زوجه در طلاق
۴۷	فصل سوم: آثار فقهی و حقوقی طلاق
۴۸	بخش اول: کلیات
۴۸	۱- صیغه طلاق
۵۰	۲- حضور عدلین (اشهاد)
۵۳	۳- شرط تنجیز در طلاق
۵۴	۴- شرایط مطلق
۵۴	۴-۱ بلوغ
۵۵	۴-۲ عقل
۵۵	۴-۳ قصد و رضا
۵۷	۴-۴ اختیار
۵۷	۵- ولایت بر طلاق
۵۸	۶- شرایط مطلقه
۵۹	۷- طلاق از طرف شوهر غایب
۵۹	۸- طلاق زنی که عادت نمی شود
۶۱	بخش دوم: اقسام طلاق
۶۳	الف) طلاق بائن
۶۴	۱- طلاق غیرمدخوله
۶۶	۲- طلاق یائسه
۶۶	۳- طلاق خلع و مبارات

۶۷	۳-۱ صیغه طلاق خلع
۶۸	۳-۲ عناصر طلاق خلع
۷۱	۳-۳ ماهیت حقوقی خلع و مبارات
۷۲	۳-۴ آثار بائن بودن طلاق خلع
۷۲	۳-۵ شروط مخالع
۷۳	۳-۶ شروط مختلعه
۷۳	۳-۷ حضور گواهان
۷۴	۳-۸ رجوع به مبذول (مابذل)
۷۵	۳-۹ طلاق مبارات
۷۶	۳-۱۰ شرایط و احکام مبارات
۷۶	ب) طلاق رجعی
۷۸	۱- اسقاط حق رجوع
۷۹	۲- نحوه رجوع
۸۰	طلاق مریض
۸۱	بخش سوم: عده
۸۱	الف) کلیات
۸۲	۱- شرط عده
۸۲	۲- آغاز عده
۸۴	۳- تزویج در عده
۸۵	محلل
۸۶	ب) اقسام عده
۸۶	۱- عده طلاق و فسخ در زن حائل
۸۶	۱-۱ اقسام زنان معتده
۸۷	۱-۲ خروج از عده
۸۸	۱-۳ اجتماع عده طلاق و عده فسخ نکاح
۸۸	۱-۴ عده در نکاح منقطع
۸۹	۲- عده زن حامله
۹۰	۳- عده وفات

۹۲	..... ۴- عدۀ غیرمدخوله و یائسه
۹۴	..... ۵- عدۀ زوجۀ مفقودالاثر
۹۵	..... ۶- عدۀ نزدیکی به شبهه
۹۷	..... فصل چهارم : تشریفات طلاق در قانون
۹۷	..... ۱- گواهی عدم امکان سازش
۱۰۰	..... ۲- داوری در طلاق
۱۰۱	..... ۲-۱ ارجاع به داوری بر طبق آیه قرآن
۱۰۳	..... فصل پنجم : طلاق در مذاهب مختلف اسلامی
۱۰۴	..... ۱- موارد اختلاف طلاق در مذاهب اربعه با مذهب جعفری
۱۱۲	..... ۲- موارد اختلاف مسائل خلع در مذاهب اربعه با فقه شیعه جعفری
۱۱۵	..... فصل ششم : فسخ نکاح
۱۱۶	..... الف) کلیات
۱۱۶	..... ۱- وجوه اشتراک فسخ نکاح و طلاق
۱۱۷	..... ۲- وجوه اختلاف فسخ نکاح و طلاق
۱۱۸	..... ب) موارد امکان فسخ نکاح
۱۱۸	..... ۱- عیب مشترک : جنون
۱۲۰	..... ۲- عیوب مرد
۱۲۰	..... ۲-۱ عنن
۱۲۲	..... ۲-۲ طریقه اثبات عنن
۱۲۳	..... ۲-۳ خصاء
۱۲۴	..... ۲-۴ جب (مقطوع بودن آلت تناسلی)
۱۲۵	..... ۳- عیوب زن
۱۲۵	..... ۳-۱ قرن
۱۲۶	..... ۳-۲ جذام
۱۲۶	..... ۳-۳ برص



۱۲۷.....	۳-۴ افضاء.....
۱۲۷.....	۳-۵ زمین‌گیری.....
۱۲۸.....	۳-۶ نابینایی از هر دو چشم.....
۱۲۹.....	سقوط خیار با علم به عیب.....
۱۳۰.....	۴- تدلیس.....
۱۳۱.....	۴-۱ مطالبه خسارت در بحث تدلیس.....
۱۳۲.....	۴-۲ تخلف از شرط صفت.....
۱۳۳.....	فوریت خیار فسخ.....
۱۳۵.....	نتیجه‌گیری.....
۱۳۷.....	فهرست منابع.....

## چکیده پایان نامه

نام خانوادگی: مجیدی

نام: مهدی

عنوان پایان نامه: مقایسه آثار فقهی و حقوقی طلاق و فسخ نکاح

استاد راهنما: دکتر سیدحسین آل طاها

درجه تحصیلی: کارشناسی ارشد

رشته: الهیات گرایش: فقه و مبانی حقوق اسلامی

محل تحصیل (دانشگاه): شهید چمران اهواز

دانشکده: الهیات و معارف اسلامی

تاریخ فارغ التحصیلی:

تعداد صفحات:

کلیدواژه‌ها: طلاق، رجوع، عده، فسخ نکاح

چکیده:

در فقه و قانون، موارد انحلال نکاح عبارتند از: طلاق و فسخ نکاح. هر چند طلاق به عنوان یک پدیده مضر اجتماعی شناخته شده است اما در بعضی موارد چاره‌ای جز طلاق وجود ندارد و راه نجات و سعادت خانواده چه برای زن و چه برای شوهر و چه برای فرزندان، طلاق است.

وجود طلاق در جوامع و اینکه متأسفانه روزبه‌روز به علل مختلف بر تعداد طلاق‌ها افزوده می‌شود، برای این جانب انگیزه‌ای شد تا به بررسی آثار فقهی و حقوقی آن پردازم و همچنین بحث فسخ نکاح را نیز برای کامل‌تر شدن بحث بر آن افزودم و سعی کردم درباره بحث طلاق و فسخ نکاح در فقه و قانون جستجو و بررسی‌هایی را انجام دهم تا اطلاعاتی هر چند مختصر در این بحث‌ها برای خودم و دیگرانی که به این موضوع علاقه‌مندند، به دست آید.

در بحث طلاق ابتدائاً کلیاتی همچون تعریف طلاق، ضرورت و زیان‌های طلاق و... را بیان نموده، سپس طلاق را در ادیان و ملل مختلف بررسی کرده و در فصول بعدی آثار فقهی و حقوقی طلاق را از نظر گذرانده‌ام. سپس به توضیح و تبیین بحث فسخ نکاح پرداخته و آثار فسخ نکاح را از منظر فقه و حقوق بیان نموده‌ام. در بحث فسخ ابتدا عیب مشترک زن و شوهر را توضیح داده سپس عیوب مرد و بعد هم عیوب زن را بیان نموده‌ام و بحث تدلیس و تخلف از شرط صفت را بیان نموده‌ام. در پایان هم در حد توان به نتیجه‌گیری از مباحث طرح شده پرداخته‌ام.

## پیش‌گفتار

طلاق و پیامدهای آن از مشکلات بزرگ جوامع کنونی به شمار می‌رود. گسستن رابطه زناشویی و رها ساختن زندگی مشترک، زن و مردی را که به هم پیوسته بودند به راه‌های گوناگون می‌کشاند. هر چند امکان دارد چنین زن و مردی هر یک خوشبختی نیافته یا از دست رفته را در کنار همسر دیگری بیابد اما در بیشتر موارد کار این‌گونه نیک‌فرجام نیست. مشکل‌تر از سرنوشت آن دو، نابسامانی فرزندان است که ناچارند به محبت یکی از پدر و مادر بسنده کنند و یا در زیر سایه ناپدری یا نامادری روزگار بگذرانند. بالاخره طلاق با تمام مشکلاتی که برای زن و مرد و فرزندان به بار می‌آورد متأسفانه در جوامع وجود دارد. البته این نکته را هم باید عنوان کرد که پایان دادن به بعضی از زندگی‌ها از راه طلاق به معنی آزادی و رهایی و خوشبختی افراد خانواده است چرا که اگر این کار صورت نگیرد ممکن است مشکلات افراد خانواده بیشتر و بیشتر و در مواردی غیرقابل جبران گردد.

وجود طلاق در جوامع و از طرفی ناآگاهی اشخاص به حقوق خود در هنگام طلاق، این جانب را بر آن داشت تا بررسی آثار فقهی و حقوقی طلاق را به عنوان موضوع پایان‌نامه انتخاب نمایم. بعد از مشورتی که با استاد راهنمای خود جناب آقای دکتر آل‌طاهرا در این زمینه داشتیم، ایشان بحث فسخ نکاح را نیز بر آن افزودند. بنابراین موضوع پایان‌نامه من با عنوان «مقایسه آثار فقهی و حقوقی طلاق و فسخ نکاح» در شورای گروه به تصویب رسید.

پایان‌نامه حاضر به روش کتابخانه‌ای تدوین شده است و در نگاشتن آن از کتابخانه‌های آستان قدس رضوی، کتابخانه‌های مختلف شهر مقدس قم نظیر کتابخانه آیت‌الله مرعشی نجفی، کتابخانه دانشکده الهیات دانشگاه شهید چمران و کتابخانه‌های دانشگاه آزاد اسلامی و تربیت معلم سبزوار استفاده شده است و همچنین از نرم‌افزارهای مربوط در این زمینه نیز بهره برده شده است.

بیشتر تکیه این پایان‌نامه بر بحث طلاق می‌باشد چرا که امروزه با مراجعه به دادگاه‌ها می‌بینیم که علل اکثر زندگی‌هایی که با شکست و جدایی روبه‌رو می‌شود، طلاق است و انحلال خانواده به

علت فسخ در موارد کمتری اتفاق می‌افتد. همچنین گستردگی مسائل بحث طلاق بسیار بیشتر از مسائل فسخ نکاح می‌باشد.

در نگاشتن این پایان‌نامه از کتب بزرگی همچون جواهرالکلام، تحریرالوسیله، کتب مختلف شیخ طوسی، شیخ صدوق، علامه حلی و محقق حلی استفاده شده و همچنین از کتاب مفید و ارزشمند «سلسلة الینابیع الفقهیه» استفاده شده و اینجانب در مراحل تدوین و نگاشتن پایان‌نامه بهره‌های فراوانی از این کتاب برده‌ام.

در پایان از استاد محترم راهنما، جناب آقای دکتر آل‌طاها نهایت تشکر و قدردانی را دارم که در تمامی مراحل، جهت پیشبرد کار علمی پایان‌نامه، با راهنمایی‌های روشنگرانه خود، راه را بر من هموار ساختند.

همچنین از استاد محترم مشاور، جناب آقای دکتر نشان بسیار سپاسگزارم که با ارائه راهکارهای علمی کمک مؤثری در اتمام پایان‌نامه نمودند.

سپس از استادان محترم داور تشکر می‌کنم که با نکته‌سنجی‌های دقیق خود، نقاط ضعف و قوت علمی این پایان‌نامه را نمایان می‌سازند.

امید است که این پایان‌نامه بتواند راهنمای کوچکی باشد برای کسانی که می‌خواهند اطلاعات خود را در زمینه طلاق و فسخ نکاح افزایش دهند.

فصل اول

# کلمات

## ۱- طرح مسأله

ازدواج و تشکیل خانواده یکی از جنبه‌های زندگی اجتماعی انسان است. موجودات دیگر را که می‌نگریم در همه کشش بین دو جنس مخالف و علاقه به تولیدمثل وجود دارد اما این کار با کمک عوامل طبیعی و یا بر اثر غریزه انجام می‌شود. مثلاً در مورد گیاهان، باد و حشرات واسطه آمیزش می‌گردند، حیوانات به هنگام نیاز جنسی به سوی جنس مخالف کشیده می‌شوند و پس از تولیدمثل و تأمین نیازهای اولیه نوزادان خویش، از یکدیگر جدا می‌شوند. بچه‌های آن‌ها هم زمانی اندک و کوتاه به مادر و گاه پدر خود احتیاج دارند و به زودی می‌توانند بر روی پای خود بایستند و از آن‌ها بی‌نیاز گردند.

انسان نمی‌تواند این‌گونه زندگی کند زیرا بر خلاف حیوانات برای تأمین نیازهای خویش به دیگران احتیاج دارد و همین احتیاج سبب تشکیل جامعه شده، تقسیم کار پدید آمده و در جامعه انسانی همه را به هم وابسته ساخته است. انسان از تنهایی وحشت دارد و به کمک نیروی عقل خویش راه زندگی کردن با دیگران را دانسته و برای زیستن با دیگران، قواعد و راه و رسم آن را پذیرفته است بدین‌گونه است که انسان برای رفع نیاز جنسی و تولیدمثل هم راه تشکیل خانواده را برگزیده است به ویژه آنکه فرزندان انسان برخلاف بچه‌های حیوانات به مراقبتی طولانی نیاز دارند. اگر در مورد حیوانات چند روز یا چند هفته پرستاری و نگهداری برای آموختن راه و رسم زندگی کافی است، فرزند انسان باید نه فقط سال‌ها از مواظبت و سرپرستی مادی خانواده برخوردار باشد بلکه تا آخر عمر از جهت معنوی و عاطفی، به پدر و مادر و خانواده وابسته است. همه این امور سبب شده است که ازدواج و رابطه زناشویی به صورت پیمانی برای همه عمر درآید و زن و شوهر زندگی مشترک را برای سرتاسر عمر بپذیرند. ناگفته پیداست که زندگی مشترک برای هر یک از دو شریک همراه با دگرگونی‌ها و تغییرات شگرفی است. زن و شوهر که پیش از آغاز زندگی مشترک، هر یک براساس برداشت‌های شخصی خویش از زندگی عمل می‌کردند اینک باید به خواست‌های یار و همدم خویش نیز توجه کنند و بسیار طبیعی است که دیدگاه‌های آن دو همواره یکسان نباشد و در

برخورد با مسائل زندگی هر کدام براساس عادات و رفتار و آموخته‌های محیط خانوادگی و اجتماعی خود قضاوتی متفاوت داشته باشند و همین رفتارها و قضاوت‌های مختلف منشأ اختلافات بین زن و شوهر می‌گردد.

حال آیا روشی وجود دارد که به کمک آن همچون دارویی اعجاز‌آمیز بتوان همه ازدواج‌ها را با موفقیت قرین ساخت و همه زن و شوهرها را با یکدیگر هم‌آهنگ کرد؟ چه عواملی بیش از همه در ایجاد اختلاف بین زن و شوهرها و جدایی آن‌ها مؤثر است؟ تفاوت سن، مذهب، ملیت، آداب و رسوم، فقر و غنا، میزان سواد و ... .

شاید مطالعات گسترده جامعه‌شناسی خانواده بتواند اندکی به یافتن پاسخ‌هایی برای این پرسش‌ها کمک کند اما گمان نمی‌رود بتوان برای این مشکل اجتماعی یعنی اختلافات خانوادگی یک یا چند علت قطعی و مشخص یافت تا با رفع آن‌ها مشکل نیز از میان برود. اگر بپذیریم که ازدواج و تشکیل خانواده، صرف‌نظر از تحولی که مقررات آن در زمان‌ها و مکان‌های گوناگون یافته است، همواره بهترین روش برای ادامه نسل شمرده شده است، اگر بپذیریم زن و مردی که تشکیل خانواده می‌دهند همانند هر فرد دیگری در جامعه، رفتار و کردار و واکنش‌هایشان در دوران زندگی، ثمره عوامل فراوان خانوادگی اعم از ارثی و اکتسابی، محیطی و... است این نکته را نیز باید قبول کنیم که تفاهم کامل بین آن دو غیرممکن و اختلاف سلیقه و نظر امری طبیعی است. اما گاهی اوقات اختلاف از حد سلیقه و نظر می‌گذرد و زندگی خانوادگی به عرصه جدال و کشمکش بدل می‌شود و یا رفتار ناشایست یکی از دو همسر اساس زندگی مشترک را متزلزل می‌سازد و یا... در این باره ده‌ها و صدها مشکل را می‌توان برشمرد که زندگی خانوادگی را تهدید می‌کند. آیا باید در همه موارد راه حل یکسانی برگزید یا باید بین آن‌ها فرق گذاشت و به هر حال این راه‌حل‌ها چه می‌تواند باشد؟ آیا باید برای حفظ کیان خانواده و جلوگیری از سوء استفاده‌های اجتماعی، ازدواج را همواره غیرقابل انحلال دانست و گفت زن و مردی که با یکدیگر ازدواج کردند تا آخر عمر حق ندارند این پیمان را بشکنند و جز مرگ چیزی نمی‌تواند آن‌ها را از هم جدا کند؟ یا برعکس قائل شویم که قرار ازدواج توافقی

است که به میل هر یک از دو طرف به هم می‌خورد و هر یک از زن و شوهر که مایل به ادامه زندگی مشترک نباشد می‌تواند بدون هیچ قید و شرطی، از جمله خواست طرف خود به آن پایان بخشد؟ آیا باید از هم گسیختن زندگی مشترک به موافقت دو طرف وابسته باشد یا اراده یکی از آن دو؟ آیا باید طلاق را مجازات کار خلاف و نادرست تلقی کرد و در مواردی مجاز دانست که همسری راه خطا پیموده و گناهی بزرگ مرتکب شده است و مثلاً با خیانت به همسر دیگر بنای زندگی مشترک را ویران ساخته است؟ آیا باید برعکس طلاق را در هر مورد که ازدواج با ناکامی مواجه می‌شود، به هر سبب که باشد، اجازه داد و آن را به عنوان دارویی شناخت که هر چند تلخ است اما گاه چاره‌ای جز به کار بردن آن نیست؟

پاسخ به این پرسش‌ها همواره آسان نیست انتخاب هر یک از این راه‌حل‌های یاد شده دارای آثار مثبت و منفی می‌باشد و طرفداران و مخالفینی دارد.<sup>۱</sup>

## ۲- معنای لفظ طلاق و تعریف آن

طلاق در لغت به معنی گشودن گره و رها کردن است. در فقه اسلامی در تعریف طلاق گفته‌اند: طلاق عبارتست از زائل کردن قید ازدواج با لفظ مخصوص.<sup>۲</sup>

امروزه در حقوق ایران، طلاق ممکن است به حکم دادگاه یا بدون آن واقع شود و در تعریف آن می‌توان گفت: طلاق عبارت است از انحلال نکاح دائم با شرایط و تشریفات خاص از جانب مرد یا نماینده او.<sup>۳</sup> بنابراین طلاق ویژه نکاح دائم است و انحلال نکاح منقطع (متععه) از طریق بذل یا انقضاء مدت صورت می‌گیرد.

---

۱- شورای نویسندگان، طلاق و مسائل آن کدامند؟، چاپ اول، نشر راهنما، تهران، ۱۳۶۲، ص ۱۱ تا ۱۵.

۲- محمدحسن نجفی، جواهرالکلام فی شرح شرایع الاسلام، ۴۳ جلدی، دارالکتب الاسلامی، تهران، ۱۳۶۷ش، ج ۵، ص ۲۷۶.

۳- حسین صفائی و اسدالله امامی، مختصر حقوق خانواده، چاپ ششم، نشر میزان، تهران، ۱۳۸۲، ص ۱۹۳.



از نظر ماهیت حقوقی، در فقه اسلامی و قانون مدنی طلاق یک ایقاع است که از سوی مرد یا نماینده او واقع می‌شود و حتی در مواردی که طلاق براساس توافق زوجین و به صورت خلع یا مبرات صورت می‌گیرد باید آن را یک عمل حقوقی یک جانبه (ایقاع) به شمار آورد زیرا توافق زوجین که شرط یا انگیزه طلاق می‌باشد غیر از خود آن است.

### ۳- ضرورت طلاق

طلاق از زندان زندگی خانوادگی دریچه‌ای را به سوی فضای آزاد و باز می‌گشاید. هنگامی که در خانه‌ای مدام جنگ و دعوا بر پا باشد این خانه به سان جهنمی وحشت‌زاست که افراد در آن روی سعادت و خوشی را نمی‌بینند. اگر بنا بود زن و شوهر در عین نفرت نسبت به هم مجبور به زندگی می‌بودند، مرگ بر این زندگی ترجیح داشت.

طلاق می‌تواند زمینه‌ای برای آگاهی و تنبّه فرد باشد، او را از وضعی که در آن است بیدار کرده و هشیار سازد. معمولاً پس از طلاق، اندیشه‌ها تعدیل، فکرها منظم‌تر و خط‌مشی‌ها روشن و از ادامه اشتباهات جلوگیری به عمل می‌آید.

با این اوصاف می‌توان گفت، طلاق یک ضرورت اجتماعی است و وجود آن در اسلام از افتخارات است. اگر در مسیحیت آن را منع و عملاً طرفین را مجبور به همزیستی نموده‌اند با پی‌آمدهای اسفناک و وحشت‌زایی مواجه شده‌اند که ما جلوه آن را به صورت توسعه فحشاء، افزایش بزهکاری و... می‌بینیم. زن و شوهری که بخواهند به هم آزار و اذیت رسانند، خانواده‌ای که در آن قانون جنگل حاکم باشد، آیا در این خانواده آسایش و امنیت برقرار خواهد بود؟ اتفاقاً در چنین مواردی ادامه زندگی کراهت دارد و دعای طرفین در این زمینه در پیش خدا مستجاب نیست زیرا امر طلاق راه اساسی نجات طرفین از بلاهاست. به هنگامی که دو نفر نخواهند واقعاً با هم زندگی کنند چه اصراری به ادامه زندگی آنهاست؟ چه سماجتی که آن دو را حتماً با هم پیوند دهیم؟ از کجا در سایه ازدواج بعدی این دو به سعادت بیشتری نرسند؟ تازه در صورت اجبار به همزیستی با عواقب

ناگوار آن، با عقده‌های ناشی از آن و... چه کنیم؟<sup>۱</sup>

#### ۴- زیان‌های طلاق

طلاق به هر علت و دلیلی که صورت پذیرد یک نتیجه مشابه دارد و آن انحلال خانواده است. شاید بتوان گفت کودکان قربانیان اصلی طلاق به شمار می‌روند چرا که آن‌ها باید تا آخر عمر، محروم از سایه مهر و محبت پدر یا مادر زندگی کنند و یا احیاناً در زیر سایه ناپدری یا نامادری بزرگ شوند. مطالعاتی که صورت گرفته نشان می‌دهد که جمع کثیری از بزهکاران جوامع همان فرزندان طلاق هستند.

بدبختی‌های ناشی از طلاق در بسیاری از موارد قابل جبران نیست. طلاق، پسران و دختران را به ازدواج بدبین می‌کند، کین و انتقام را در جامعه می‌گستراند و افرادی عقده‌ای، نگران و مضطرب به جامعه تحویل می‌دهد.<sup>۲</sup>

#### ۵- افزایش طلاق در زندگی جدید

با نگاهی به زندگی‌های جدید در می‌یابیم که آمار طلاق امروزه نسبت به مثلاً صد سال قبل قابل مقایسه نیست و افزایش چشم‌گیری یافته است. مسلماً تفاوت دیروز و امروز در این است که امروز علل طلاق فزونی یافته است زندگی اجتماعی شکلی پیدا کرده است که موجبات جدایی و تفرقه و از هم گسستن پیوندهای خانوادگی بیشتر شده است و از همین جهت سعی و تلاش دانشمندان و خیرخواهان تاکنون به جایی نرسیده است و متأسفانه آینده خطرناک‌تری در پیش است. اکنون مطلب را از ریشه مورد بحث قرار می‌دهیم اول از جنبه نظری ببینیم آیا طلاق خوب است یا بد؟ آیا خوب است راه طلاق به طور کلی باز باشد؟ اگر این خوب است پس هر جریانی که

---

۱- علی قائمی، تشکیل خانواده در اسلام، چاپ اول، نشر امیری، تهران، ۱۳۵۳، ص ۲۶۳-۲۶۴.

۲- همان، ص ۲۵۶.

بر افزایش طلاق‌ها بیفزاید عیب ندارد و یا باید راه طلاق به کلی بسته باشد و پیوند ازدواج اجباراً شکل ابدیت داشته باشد و جلو هر جریانی که موجب سستی پیوند مقدس ازدواج می‌شود گرفته شود؟ یا راه سومی در کار است و آن اینکه قانون نباید راه طلاق را به طور کلی بر زن و مرد ببندد بلکه باید راه را باز بگذارد و طلاق احیاناً ضروری و لازم تشخیص داده می‌شود. در عین حال که قانون راه را به طور کلی نمی‌بندد، اجتماع باید مساعی کافی به کار برد که موجبات تفرقه و جدایی میان زنان و شوهران به وجود نیاید. اجتماع باید با عللی که سبب تفرقه و جدایی زنان و شوهران و بی‌آشیانه شدن کودکان می‌گردد مبارزه کند و اگر اجتماع موجبات طلاق را فراهم کند، منع و بست قانون نمی‌تواند کاری صورت دهد.

اگر بنا بشود قانون راه طلاق را باز بگذارد، آیا بهتر است به چه شکلی باز بگذارد؟ آیا باید این راه تنها برای مرد یا برای زن باز باشد یا باید برای هر دو باز باشد؟ و بنا بر شق دوم آیا بهتر است راهی که باز می‌گذارد برای زن و مرد به یک شکل باشد؟ و راه خروجی زن و مرد را از حصار ازدواج به یک نحو قرار دهد؟ مجموعاً پنج فرضیه در مورد طلاق می‌توان اظهار داشت:

الف) بی‌اهمیتی طلاق و برداشتن همه قید و بندهای قانونی و اخلاقی جلوگیری از طلاق.

کسانی که به ازدواج تنها از نظر کامجویی فکر می‌کنند، جنبه تقدس و ارزش خانواده را برای اجتماع در نظر نمی‌گیرند و از طرفی فکر می‌کنند پیوندهای زناشویی هر چه زودتر تجدید و تبدیل شود لذت بیشتری به کام زن و مرد می‌ریزد، این فرضیه را تأیید می‌کنند. آن کس که می‌گوید: «عشق دوم همیشه دلپذیرتر است» طرفدار همین فرضیه است. در این فرضیه، هم ارزش اجتماعی کانون خانوادگی فراموش شده است و هم مسرت و صفا و صمیمیت و سعادت که تنها در اثر ادامه پیوند زناشویی و یکی شدن و یکی دانستن دو روح پیدا می‌شود نادیده گرفته شده است. این فرضیه ناپخته‌ترین و ناشیانه‌ترین فرضیه‌ها در این زمینه است.

ب) اینکه ازدواج یک پیمان مقدس است و باید برای همیشه این پیمان ثابت و محفوظ بماند و طلاق از متن اجتماع بشری باید حذف شود. زن و شوهری که با یکدیگر ازدواج می‌کنند باید

بدانند که جز مرگ چیزی آن‌ها را از یکدیگر جدا نمی‌کند طرفداران این فرضیه در جهان رو به کاهش‌اند.

ج) اینکه ازدواج از طرف مرد قابل فسخ و انحلال است و از طرف زن به هیچ نحو قابل انحلال نیست. در دنیای قدیم چنین نظری وجود داشته است ولی امروز به نظر نمی‌رسد طرفدارانی داشته باشد.

د) اینکه ازدواج مقدس و کانون خانوادگی محترم است اما راه طلاق در شرایط مخصوص برای هر یک از زوجین باید باز باشد و راه خروجی زوج و زوجه از این بن‌بست باید به یک شکل و یک جور باشد. مدعیان تشابه حقوق زن و مرد در حقوق خانوادگی که به غلط از آن به «تساوی حقوق» تعبیر می‌کنند طرفدار این فرضیه‌اند. از نظر این گروه همان شرایط و قیود و حدودی که برای زن وجود دارد باید برای مرد وجود داشته باشد و همان راه‌ها که برای خروج مرد از این بن‌بست باز می‌شود عیناً باید برای زن باز باشد و اگر غیر از این باشد ظلم و تبعیض است.

ه) اینکه ازدواج، مقدس و کانون خانوادگی محترم و طلاق امر منفور و مبعوضی است. اجتماع موظف است که علل وقوع طلاق را از بین ببرد و در عین حال قانون نباید راه طلاق را برای ازدواج‌های ناموفق ببندد. راه خروج از قید و بند ازدواج هم برای مرد باید باز باشد و هم برای زن، اما راهی که برای خروج مرد از این بن‌بست تعیین می‌شود با راهی که برای خروج زن تعیین می‌شود دوتاست و از جمله مواردی که زن و مرد حقوق نامشابه‌ای دارند طلاق است. این نظریه همان است که اسلام ابداع کرده و کشورهای اسلامی به طور ناقص از آن پیروی می‌کنند.<sup>۱</sup>

---

۱- مرتضی مطهری، نظام حقوق زن در اسلام، چاپ چهل و ششم، انتشارات صدرا، قم، ۱۳۸۶، ص ۲۳۴ تا ۲۳۶.